

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human rights

حقوق بشر

مارتین مندل
برگردان و افزوده از: دیپلوم انجنیر نسرین معروفی
۲۸ مارچ ۲۰۱۴

جنایتکاران جنگی

پانزده سال قبل از امروز در یوگوسلاویا جنگ با بمبارمان ناتو که مغایر حقوق بین المللی بود، شروع شد. به درجه اول مراکز ملکی مورد هدف قرار گرفتند. مانند دستگاه رادیو صربها، فابریکه موتور سازی در Kragujevac، یک پل در Varvarin و سفارت خانه چین. ناتو با عصبانیت از خسارات جانبی صحبت کرد. هیچ کدام از مجرمان جنگی از جانب محاکم قضائی تا به امروز مورد تعقیب و تحقیق قرار نگررفتند.

گرهارد شرودر **Gerhard Schröder**: از حزب اس. پی. دی وی از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۵ به حیث صدراعظم المان بود. شخصی که اولین مأموریت نظامی المان را بعد از ختم جنگ جهانی دوم نافذ ساخت. استدلال وی در زمینه "دفاع" از "آزادی، دموکراسی و حقوق بشر" بود. وی به این دلایل اقرار نمود.

جوزف "یوشکا" فیشر **Joseph «Joschka» Fischer** از حزب سبز ها بود. از سال ۱۹۹۸ تا سال ۲۰۰۵ به حیث وزیر خارجه المان بود. وی بمبارمان ناتو به یوگوسلاویا را با این جملات توجیه کرد "من نه تنها آموختم که هیچ وقت جنگ نباشد، همچنان آموختم که دوباره هیچ اوشویتس نباشد"

رودلف شارپینگ **Rudolf Scharping** از حزب اس. پی. دی وی از سال ۱۹۹۸ تا سال ۲۰۰۲ به حیث وزیر دفاع المان بود. وی به جنگ مشروعیت داد و آنهم بدین بهانه که گویا پلانی از جانب صرب ها مبنی بر متواری ساختن البانی ها از کوزوو به اصطلاح هوف آیزن پلان Hufeisenplan وجود داشت، امری که فقط یک دروغ تبلیغاتی بود.

ویلیام "بیل" کلنتن **William Bill Clinton**

از حزب دموکراتها از سال ۱۹۹۳ تا سال ۲۰۰۱ به حیث رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا بود. وی مسؤولیت جنگ علیه یوگوسلاویا را زیر نام «عملیات قوای متحد» Operation Allied Force بدون مشروعیت بخشیدن از جانب «شورای امنیت ملل متحد» به گردن گرفت.

مدلین البرایت **Madeleine Albright**

از حزب دموکراتها از سال ۱۹۹۷ تا سال ۲۰۰۱ به حیث وزیر خارجه ایالات متحده آمریکا بود. وی در سال ۱۹۹۳ تذکر داد که "ما تجهیزات جنگی مجهز داریم در صورتی که ما نتوانیم این تجهیزات را مورد استفاده قرار دهیم پس برای چه است؟" وی بیان نمود اعمالی را که ما در یوگوسلاویا نمودیم، مشروع نبود لکن صحیح بود.

انتونی "تونی" بلیر **Anthony Tony Blair**

از حزب لیبر وی از سال ۱۹۹۷ تا سال ۲۰۰۷ به حیث صدراعظم انگلستان بود. به حیث دسیسه کار رول فوق العاده را بازی کرد. بلیر به کار انداختن مأموریت قوای زمینی را در یوگوسلاویا مکرر تأکید و تقاضا می کرد، (چیزی را که کلنتن به حیث یگ امر "اضطراری" قبول کرده بود).

ژاک شیراک **Jacques Chirac**

از حزب «ار. پ. ار» از سال ۱۹۹۵ تا سال ۲۰۰۷ به حیث صدراعظم فرانسه بود. وی جنگ فرانسه را علیه یوگوسلاویا با استعمال از اسلحه اتمی ممالک متهم به ترور را تهدید می کرد. وی ستراتیژی ناتو در قبال نزاع کوزوو را قابل توجیه اعلام داشت.

جوزی ماریا ازنار **José Maria Aznar**

از حزب خلق «پ. پ. وی» از سال ۱۹۹۶ تا سال ۲۰۰۴ به حیث صدراعظم اسپانیه بود. باید به پیشنهاد وی بمباردمان فرستنده دولتی «ار. ت. اس» صورت گرفته باشد. وی همراه با جورج دبلیو بوش George W. Bush و «بلیر» چهار سال بعد حملات نظامی را به عراق به راه انداختند.

جفیر زولانا **Javier Solana**

اسپانوی که از سال ۱۹۹۵ تا سال ۱۹۹۹ به حیث جنرال سکرتر ناتو بود. وی امر بمباردمان یوگوسلاویا را جهت "جلوگیری از انکشاف فاجعه انسانی در کوزوو" داده بود. زولانا در آنزمان تذکر داد که به غیر از "حملات نظامی" هیچ الترناتیف دیگری وجود ندارد.

جیمی شیا **Jamie Shea**

از ۱۹۸۰ بدین سو کارمند در ناتو و از ۱۹۹۹ به بعد سخنگوی آن سازمان در بروکسل. ضمن حقانیت بخشیدن به تجاوز و کشتار انسانها، همیشه با لبان پر خنده پیروزی های ناتو را از طریق تلویزیون گزارش می کرد

افزوده:

جنایتکارانی که در بالا از آنها نام بردیم، نه تنها هیچ گاهی به جرم جنایاتی که مرتکب شده اند، به پای میز محاکمه کشانیده نشده اند، بلکه تا امروز با وجود آن که اینجا و آنجا خود نیز به غیر عادلانه بودن و جنایتکارانه بودن آنچه انجام داده اند، اعتراف کرده اند؛ مگر از آن جایی کردار و عملکرد آنها جهت تثبیت موقعیت یکه تازی امپریالیزم ناتو و اعلام به اصطلاح جهان یک قطبی بوده است، از طرف رسانه های امپریالیستی به مثابه قهرمانان حافظ سرمایه تجلیل و تکریم می گردند.

این حقیقت تاریخی یک بار دیگر بر تجارب قبلی تأکید می ورزد، تجاری که در مناسبات بین سرمایه داران و جهان خارج از آن، چیزی به نام حقیقت، عدالت، قانونیت و امثال آن وجود ندارد، بلکه هر آنچه است و نیست «زور» است و قدرت «سرکوب» و «نابودی» طرف مقابل. یعنی هر کس زور داشت و توانست خود را به زور بر دیگری تحمیل کند، می تواند مدعی داشتن حق نیز بگردد.

منطقی که ضعیف و شکست خورده همیشه محکوم و ناحق نیز قلمداد می گردد. پس برای تثبیت حق، هیچ راهی به جز زور و نیرو داشتن وجود ندارد، اینجاست که مقوله «قدرت سیاسی از لوله تفنگ بیرون می شود» باز هم حقانیت خود را به اثبات می رساند.

ن. م.